

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1397/12/18



موضوع: تحقیق درباره مسائل مربوط به خصوصیات دم حیض

در این رابطه در جلسه قبلی بحث شد این بود که گفته شد یک دسته از روایات بر این اند که حیض با حمل جمع می شود دسته دیگر این است که حمل با حیض جمع نمی شود. آنهایی که می گفتند جمع نمی شود روایتی بود از سکونی که تصریح داشت که جمع نمی شود گفتیم آن روایت توان تعارض را ندارد روایاتی که دالّ بر جمع حمل و حیض است کثیر و صحاح هستند. و بر فرضی که تعارض هم بکند روایاتی داشتیم که شاهد جمع بود شاهد روایی، مرسله ابن ابی عمیر بود که اعتبار دارد و مرسله صدوق که گفته بود «قال قال الصادق» از اعتبار بالا. برخوردار بود و نتیجه این شد که آنچه که در متن آمده است که قرشیت تا شصت سال و غیر قرشیت تا پنجاه سال این قول هم مشهور است و هم مقتضای جمع بین نصوص که گفتیم و کامل شد. وجوهی هم در این رابطه گفته شده بود که اشاره شد. بعضی از عزیزان سوال کردند که شما تمامی وجوهی که در تنقیح آمده نگفتید یک وجهی را فقیه حلی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید که درباره استبراء اماء، [1] من آن وجه را عمدا نگفتم دلیلش این است که اولاً. درباره اماء است ما بحثی که مربوط به اماء باشد موضوع ندارد. اماء و عبیید را ما بحث نمی کنیم چون بحث کردن هرچند خیلی احترام داریم به سلف صالح مان ولی نتیجه ندارد آن استدلال مربوط می شد به اماء که استبراء اماء در حیضه واحده است که استبراء یعنی علم حاصل بشود که تطهیر رحم، ما آن استبراء به حیضه واحده باشد حامل اگر حیض بشود پس آن استبراء صورت می گیرد؟ با حیضه واحده حمل ساقط بشود که معنی ندارد. پس نتیجه اش این است که حمل با حیض جمع نشد. جوابش را دادیم که اولاً. بحثی که درباره اماء باشد ما کاری نداریم و ثانیاً می شود بگوییم که حیضه واحده در صورت شک در تحقق حمل هست یا در صورت احتمال حمل هست نه در صورتی که حمل قطعاً محقق است. بنابراین آن وجه هم به جایی نرسید. مطلب گذشته تا

به اینجا همان متنی که سید فرموده بودند درست و کامل است

دو قول درباره جمع حمل با حیض

بنابراین دو قول وجود دارد: قول اول این است که حمل با حیض جمع می شود و این قول مورد شهرت قریب به اجماع و نصوص کثیر هست. قول دوم این است که حیض با حمل جمع نمی شود که سه تا روایت نقل می کنند. بنابراین آنچه که در متن آمده قول اول است و قابل جمع است. اما در تعارض روایت سکونی قابل معارضه نیست و در حد یک معتبره است و روایات مقابل در حد استفاضه است و موافق با عامه است و مخالف با مشهور است بنابراین در متن تا حالا به این نتیجه رسیدیم که حمل با حیض قابل جمع است و ادله طرف مقابل قابل اعتماد نیست.

سه تفصیل در مسئله

اما در مسئله تفصیلی گفته شده است به طور کلّ سه تا تفصیل: 1. تفصیل بین مستبانه که یعنی حمل کامل شده باشد در شرف ولادت باشد، تفصیل این است که اگر در حد مستبانه باشد حیض با حمل جمع نمی شود قبل از استبانه حمل قابل جمع است. 2. این است که می گویند درباره جمع شدن بین حمل و حیض مدت مطرح است اگر بعد از عادت بیست روز بگذرد در آن صورت احتمال جمع شدن وجود ندارد اگر قبل از گذشت بیست روز باشد امکان جمع شدن وجود دارد. 3. که از صاحب حدائق است که می گوید اگر دمی را حامل ببیند و دارای صفات حیض باشد حمل به حیض می شود اگر دارای صفات نباشد حمل به حیض نمی شود.

اما تفصیل اول که تفصیل بین مستبانه و غیر مستبانه

اما تفصیل اول که تفصیل بین مستبانه و غیر مستبانه، در این رابطه شیخ طوسی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: این مسئله یعنی این تفصیل مورد اجماع هست. [2] شما ممکن است اشکال کنید که چه اجماعی است این همه اختلاف، یک نکته ای را توجه کنید که اجماع قدماء را نسبت به زمان خودش در نظر بگیرید. اجماع شیخ کجاست؟ اجماع شیخ توافق صدوقان کلینی و سید کافی است. اجماع شیخ حتی با مخالفت فقیه حلی که از فقهاء هست کار ندارد چون بعد از زمان شیخ است. لذا اشکال می شود که این اجماع چه اجماعی است با این خلاف، یک بحثی است که ما روی آن حساس هستیم و آن این است که گفته می شود که اجماعات شیخ اساس ندارد در حالی که اعتبار مال اجماعات شیخ است منتها هر اجماعی را در زمان خودش در نظر بگیرید. شیخ با آن احتیاط و ورع و آن اشراف تفحصی

کرده است از معاصرین خودش و معاصرین خودش نزدیک به زمان معصوم محدودند آراء آنها را دارد که می گوید اجماع و متاخرین یا افرادی که متفق باشند یک اظهار نظر خلافی نکنند به آن اجماع ضرر نمی زند. شیخی که اجماع گفته است اجماعش درست است و علی التحقیق اجماع است در عصر خودش. حالا برای محققین بعداً کشف شد که مطلب برخلاف اجماعی است که شیخ گفته است مانعی ندارد محققین کشفی نکنند و مطلبی را به دست بیاورند و نکته ای تازه به دست بیاورند مانعی ندارد. و همین طور مرحوم فقیه حلی همین تفصیل را اعلام کرده است. [3] درباره این تفصیل که هر یکی از این تفاسیل نصوصی دارد درباره این تفصیل آنچه جستجو کردیم در اختیار ما فقط یک روایت بیشتر دیده نمی شود و آن روایت صحیحہ سلیمان بن خالد «قال قلت لابی عبد الله عليه السلام جعلت فداک الحبلی ربما طمئت قال نعم و ذلک ان الولد فی بطن امه غذائه الدم فربما کثر ففضل عنه فاذا فضل دفقته و اذا دفقته حرمت علیها الصلاه» [4] روایت دیگری هم به همین مضمون است. منظور این است که روایت تغذیه یعنی گفته می شود که تغذیه جنین از دم حیض است آن روایت ممکن است سند باشد برای این حکم، برای اینکه اگر جنین مستبان بشود استبانه و رشد بکند طبیعتاً به تغذیه بیشتر نیاز دارد و حیض بیرون نمی آید و مصرف داخلی پیدا می کند و اگر قبل از استبانه باشد تغذیه زیاد ندارد دم حیض بیرون می دهد. روایتی که می توانیم به عنوان سند این قول در نظر بگیریم این باشد البته مضافاً بر این روایت وجهی را هم می توانیم اضافه کنیم و آن این است که اگر جنین در رحم رشد کند به صنعت الهی رحم دیوار حفاظ می شود برای جنین، خون ریزی و جرحی و انفجار عروقی وجود نخواهد داشت و از مبدأ خون ریزی قطع می شود که یک صنعت الهی است. بنابراین تفصیل اول یک روایت احتمالاً و یک تحلیلی که برای شما گفتیم.

و اما قول دوم

و اما قول دوم که می فرماید «بعد العاده بعشرین یوم» این قول را هم شیخ قدس الله نفسه الزکیه در کتاب نهایی و تهذیب و کتاب استبصار در بابی که عنوان این است «باب الحبلی تری الدم» این را شیخ فرموده است سید صاحب مدارک هم در کتاب مدارک الاحکام همین قول را تایید فرموده است. [5]

دلیل روایی این مطلب

دلیل بر این مطلب عبارت است از صحیحہ ابن نعیم، ب و عنه عن احمد بن محمد عن الحسن بن محبوب عن الحسين بن نعیم الصحاف که حسین بن نعیم از اجلا و ثقات و توثیق خاص دارد. «قال قلت لابی عبد الله عليه السلام ان ام ولدی تری الدم و هی حامل کیف تصنع بالصلاه قال فقال لی اذا رأأت الحامل الدم بعدما یمضی عشرون یوماً من الوقت الذی کانت تری فیه الدم من الشهر الذی کانت تقعد فیه فان ذلک لیس من الرحم و لا من

الطمث فلتتوضأ» [6] سند درست است و صحیح و متن هم این شد که اگر از روز اولی که حیض می بیند روز اول عادت بیست روز بگذرد بعد از بیست روز اگر خونی ببیند حیض نیست حمل بر استحاضه می شود. مستند این حکم این روایت صحیح است. و اما تفصیل سوم که صاحب حدائق [7] در کتاب الحقائق الناضره و همین طور شیخ صدوق [8] در کتاب من لا یحضره الفقیه باب غسل حیض تراه الحبلی می فرماید: اگر خونی را ببیند حامل و آن خون دارای صفات حیض باشد حمل بر حیض می شود و اگر دارای صفات حیض نباشد حمل بر مستحاضه می شود. در این رابطه نصوص متعدد است یکی این صحیح است «سالت ابا عبد الله علیه السلام عن الحبلی قد استبان ذلک منها تری کما تری الحائض من الدم قال تلک الحراقه» خون ریزی است تفصیل دارد «ان کان دماً کثیراً فلا تصلین و ان کان قليلاً فلتغتسل عند کل صلاه» یعنی علائم حیض را اگر داشت حمل بر حیض کن اگر علائم و صفات حیض را نداشت حمل بر استحاضه بشود. حدیث دوم هم روایتی که این سند مرسل هست ولی ارسالش یک مقدار دارای اعتبار دیده می شود و عنه عن ابیه عن بعض رجاله عن محمد بن مسلم عن احدهما که عنه علی بن ابراهیم است عن ابیه عن بعض رجاله، در بحث رجال رجال ابراهیم بن هاشم شناخته شده است اینکه از رجال خودش روایت نقل می کند شائبه ای از اعتبار دیده می شود رجال شناخته شده و ایشان از رجالش نقل می کند و فرزندش هم که علی بن ابراهیم هست به آن اعتماد می کند. عن محمد بن مسلم عن احدهما علیهما السلام «قال سالت عن الحبلی قد استبان حبلیها تری ما تری الحائض من الدم قال تلک الحراقه من الدم ان کان دماً احمر کثیراً فلا تصل» اگر احمر بود و کثیر بود و وصف حیض را داشت حمل بر حیض بشود «و ان کان قليلاً اصفر فلیس علیها الا الوضوء» [9] این دیگر متنش واضح تر از آن دیگری است. این تفسیر سوم بود که برای شما گفته شد.

کلام سید الخوئی

اما سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه این تفصیل صاحب حدائق را مورد بررسی و اشکال قرار می دهد بحث می کند می فرماید: این روایاتی که با این تفصیل آمده است تعارض دارد با روایاتی که در آن روایات آمده است «ما تراه المرأة ایام العاده» اطلاقاً با اطلاق آن تعارض می کند و بعد از که تعارض کرد تساقط صورت می گیرد تساقط که صورت گرفت به عموم باب مراجعه می شود عموم باب هم که که عبارت بود از حبلی حیض می بیند «انه سأل عن الحبلی تری الدم اترک الصلاه فقال نعم ان الحبلی ربّما قذفت بالدم» [10] رای این شد آنچه که در متن آمده است که دیدیم سه مرحله داشت که «الاقوی انه یجتمع معه» یعنی حیض با حمل جمع می شود. [11] «سواء کان قبل الاستبانه او بعدها» تفصیل دوم را رد کردیم که تفصیل دوم سندی نداشت فقط مستندش همان روایت تغذیه بود «و سواء کان فی العاده او قبلها او بعدها» اطلاق روایتی که مقید به عادت و عدم عادت نبود. «نعم فیما کان بعد العاده بعشرین یوم» [12] این روایت را سید مورد اعتماد قرار داده که اگر بعد از عادت به مدت بیست روز گذشته باشد و دم ببیند احوط جمع است اینجا دیگر جای احتیاط است بین تروک حائض و اعمال مستحاضه که وضو باشد و نماز باید جمع بشود البته به شرط

اینکه ما بگوییم که ترک صلاه رخصت هست. اگر ترک صلاه در حال حیض عزیمت باشد احتیاط جا ندارد. بنابراین با توجه به روایت عشرين يوم که صحیح بود سید یک احتیاطی در نظر گرفته است به مقتضای همین حدیث معتبر و صحیح. نتیجتاً آنچه که در این متن آمده است براساس نصوص و ادله ای که در این رابطه گفته شد احتیاط این است که حمل بر حیض بشود و اما اعمال استحاضه رجاء انجام بگیرد که به عنوان احتیاط نباشد. اگر این حکم را در نظر بگیریم به آن اشکال احتمالی هم برنخوریم ان شاء الله.

سوال:

پاسخ: بین قول شیخ در نهاییه و خلاف که کتاب نهاییه کتاب فتوایی است و کتاب خلاف کتابی است که حکم مذهب بیان می شود در برابر مذاهب دیگر و کتاب مبسوط کتاب استدلالی است فتوای شیخ در نهاییه درست است و حکم مذهب از کتاب خلاف استفاده می شود استدلال شیخ هم در مبسوط هست منتها از نظر فتوا ما به نهاییه اعتماد می کنیم. تا به اینجا مسئله سوم تمام شد مسئله چهارم ان شاء الله جلسه آینده.

[1] السرائر، الفقیه الحلی، ج 1، ص 150.

[2] الخلاف، الشیخ الطوسی، ج 1، ص 247.

[3] السرائر، الفقیه الحلی، ج 1، ص 150.

[4] وسائل الشیعه، الشیخ الحر العاملی، ج 2، ص 579، ابواب حیض، ب 30، ح 14، ط اسلامیة.

[5] مدارک الاحکام، الموسوی العاملی، ج 2، ص 10.

[6] وسائل الشیعه، الشیخ الحر العاملی، ج 2، ص 577، ابواب حیض، ب 30، ح 3، ط اسلامیة.

[7] الحقائق الناضره، الشیخ یوسف البحرانی، ج 3، ص 181.

[8] من لا یحضره الفقیه، الشیخ الصدوق، ج 1، ص 51.

[9] وسائل الشیعه، الشیخ الحر العاملی، ج 2، ص 579، ابواب حیض، ب 30، ح 16، ط اسلامیة.

[10] وسائل الشیعه، الشیخ الحر العاملی، ج 2، ص 576، ابواب حیض، ب 30، ح 1، ط اسلامیة.

[11] التنقیح فی شرح العروه الوثقی، السید ابوالقاسم الخوئی، ج 7، ص 83.

[12] العروه الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج 1، ص 236.